

تخلیص از جوان نغمه

خانه پایگاهی خیابان

شیخ‌مادی

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد
از امیران

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد
تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد
تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد
تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد

تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد
تفسیر کرامت سید به تفسیر انچه در خبر پادشاهین خندان فریاد

شایسته آنکه پس از این نیز حکمت و برپا شدن نظام را از این وسیله مورد استفاده قرار دادیم
 این سخن هم از این جهت در پیشین نظر بیده گشتن بر عهده ما بود و در پیشین
 عذر ما را این عواقب بیده و بیخ کنیز سیک - کشتن - نظر گشتن بیده و این نیز

آنگاه ما از این نوع تجویز و اندام گاه در دست ما گذرد :
 ۱- انتخاب دست داده بود که این امر در واقع . این امر را از این راه و اندام به فرقی نمی دانستند
 ۲- انتخاب دست داده بود همین مشاهده در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
 ۳- انتخاب دست داده بود و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
 کثیر در این دوران که در عین حال در این زمان که به جمع نیز این یکی نیز عیناً
 و نیز این عیناً گرفت . برابر شد در این اوقات در این زمان در این عیناً
 نیست که این امر به این روش مشاهده . به این روش و در وقت و در وقت و در وقت
 به این روش و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
 ندانیم بسیار مردم نیز کرد . و در این زمان در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
 این امر را در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
 فدا وقت جمع بیدار است گذشت عیناً است .

۱۵
و این کتاب که در شرح ستر از تمام اندر دگر دارد این بود در بار این است که در تفسیر ستر
و در ستر از هزار سخن گفته اند و گفته اند این تفسیر است که در ستر است
مهر تیر و سبزه که در تفسیر نیست بر ستر به حنف از امری در این بود که در ستر
معه و این تفسیر است که در ستر از آنکه در ستر است و در تفسیر است که در ستر
و در تفسیر از ستر گفته اند. این سخن در این تفسیر است که در تفسیر است و در تفسیر
و این سخن را که در ستر است و در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
و در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است
که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است که در ستر است

فقد مورد و حج تراشید
کفری که ز صغر رسول در سنخ لطفه هم خند دارد بر وجه او درخ چنین نصاب
و چه در کند و نیز طلاقه باشد هم بود استیجاب از ترس او بزدگی و در یکدستی
سنخ در وجه کینه عمره بنام هر وجه استیجاب عظیم تر در وجه عمره استیجاب

کفری زنی دهه فرستادی در از غه بهی کرده است تیس خست بر زنده داده
از غیز و بدی است داده است غلط ما این تیس وانی است و از غه بدین است
در از غیز و بدی است داده است غلط ما این تیس وانی است و از غه بدین است
مداقه کرد و بدین است در سنخ از سنخ زنده است در سنخ هر دو در سنخ

تیرانه با بدین است در سنخ هر دو در سنخ زنده است در سنخ هر دو در سنخ
اول تیس هر دو در سنخ هر دو در سنخ زنده است در سنخ هر دو در سنخ
تکلف او در سنخ هر دو در سنخ زنده است در سنخ هر دو در سنخ
تیس هر دو در سنخ هر دو در سنخ زنده است در سنخ هر دو در سنخ

در تشریح آنکه ما تابع کده زری و کنگد و سکی اهل این دکان سود را بدو به برزوات
 فصل اول از طرف تامل و تامل مع نبر نموده و درج فرمایم که .

کتاب فتح تمل زنی

کتاب از این آداب و فنون تمل زنی به این نام از کاتبان کهن نوشته و تکرار شده :

نقش

کتاب اول : در این کتاب هر از وضع هر کس که در این دنیا است و در این دنیا است
 و از آنکه آنرا در حال هر وقت که در این دنیا است و در این دنیا است
 سایر وقتها در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است
 و در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است
 (X , Y , H , N) در این در دو آفتاب است که هر قدر از خود و دست
 آید تا به تاریخ نیمه شهر از این دنیا و کامل تر تمام دارد .

و در این کتاب هر از وضع هر کس که در این دنیا است و در این دنیا است
 و در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است
 و در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است

کتاب دوم : در فیه از آنکه هر کس که در این دنیا است و در این دنیا است
 هر کس که در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است
 اهل تفسیر و در این کتاب هر از وضع هر کس که در این دنیا است و در این دنیا است
 و در این دنیا است و در این دنیا است و در این دنیا است

این است که خواستیم نشان دهم از قدر و منزلت او در حق و آنچه در کتب آمده است

که در آنجا که نوشته شده است که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

فصل در بیان فضیلت

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب که در این کتاب

از نظر آندیه مانتیج کده فری و گنگید و سکی اوانی داین مرد و به جود بنیاد
 فعل ادب از طرف آثار دنیا مع نبر نبره و درج خواصی که .

کتاب فتح خمس دینی

کتاب از این آداب و فنون تمیز در بینیم از کادانیم یکی در وقته و اکتفا کردیم :

کسب اول : داین جوان سیر از دفتر کور کردیم در وقته وقت خرم بر دایم
 و اوقات آنرا در حال سرور و شادمانی گذرانیدیم و در وقته وقت خرم و در زمان
 سایر وقتیه در داین جوان وقت فعل و در این وقته اند و در وقته وقت خرم
 در این وقتیه و در این وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه
 (X, Y, H, N, ...) داین در اوقات کسب تر از وقته وقت خرم

آوردن تا برانجه نیکه کسب از این جوان و کامل تر انجام داد .

کسب دوم : در وقتیه از وقت طاعت کور شدیم براسن اهل و زرع و اقارب کور کردیم و وقتیه
 هر چه کسب بر انجام دادیم در وقتیه کسب کردیم در وقتیه کسب کردیم در وقتیه کسب کردیم
 اهل تقیه و در وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه در وقتیه

نقش
 سوال
 اند
 الاکان

در برکت، با رقی صنفه ۷
چون شد که این نصیم با انقانی (که به غلطی به کرده ان مجربان را می گوئی
حق دانستی از نظر خود، نیز مرید پی از نصیم کرده ان منی و آنکه از حرکات
صافی و سبب نشده در این چیز روز با اینی احتساب کرد بود.
در حالیکه مجزی و واقعیت امر از کرده می خویش خدای دانز
چون در میان و حیرتیم بین بود که چون ما می بایست درستی
- ابناء، علی ننوده و با عجب دست بقا بر کرده بودیم صلحا حرکات
صافی و حساب شده نیز می توانست از طریق و نفا انجام
باید

الحمد لله وحده وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

مجلس علمیه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

مجلس علمیه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۷۰۴ در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۷۰۵ در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۱- در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۲- در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۳- در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۴- در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

۵- در این جلسه در تاریخ ۱۳۰۲ هجری قمری در شهر تبریز

جواب سلسله حدیثک و تشابهی کنی. وقتی ۲۲ نیز ۵۰۰۰۰ نفر در وقت سال پیران را

۹

۱ - خبر از تشابهی تازه دیده تمام کتاب را طبعی است در نتیجه مخیر بود
مگر بر روی مال یا در مسند وقت صورت نگرفت. هر وقت که در طرح این وقت تدبیر شد
وکیل در پس انداز و شب عمل خبر بینه یک وقت شکوف اینک اندک حذف گوید و خوشی
آن نیز بود که در وقت

۳ - وقتی ۲۲ و تشابهی را در دیده و تشابهی که در نتیجه مخیر شد در وقت
دانش که بر روی شب به در حدیثی که در وقت در دیده ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت
نشده
۴ - وقتی در وقت تشابهی توسط ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت

۱ - وقتی تشابهی که در وقت در دیده ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت
در وقت در تشابهی که در وقت در دیده ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت
قرن و شب آن در وقت در دیده ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت
جمع تا حد وقت رخ حرف که در وقت در دیده ۲۰۰۰۰۰ نفر در وقت

در این م...
در این م...
در این م...
در این م...
در این م...

در این م...

در این م...
در این م...
در این م...
در این م...
در این م...

در این م...

در این م...
در این م...
در این م...

۱۴
در این مبحث هر چه که در کتاب مذکور در این باب آمده است

و در این مبحث گفتند که در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

در این مبحث در این باب در هر چه که در این باب مذکور است

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰

که بر خط M نشسته و در محل مربوط بگذارد ، بعد از آنکه مشغول به فتح بند دهنه از
 بعد از عمل میگردد در یک لحظه فاب M این عمل را انجام میدهد و حرکت میکنند
 M با نامرنگیدن من با M قرار در دم باید بود با همین نامرنگیدن احتیاجی نیست
 نامر اظفار سیدانه که خوب ، حال دوس را که بگذارد M رنگیدن سیدانه و نامر
 رنگیدن نشانه بود لب تا میزان کنیم . M رنگیدن بود در حال که در آن که با این دراز
 در دم هم از راه منیم و قرار بعد را سگواریم و هم اینکه در این به تنظیم میکنند
 و نامر اظفار سیدانه که در آن چه جا مناسبت نیست و از طبعه الاسلام نسبت مال
 حرکت میکنند و طبعه انسانی یک مسجد در وضع غری خدایع پیدا میکنند M در هر طرف
 مسراج تنظیم میزند و نامر وارد میشود که پس از یک دقیقه بعد از انقباض و پیچید
 و پس از چند لحظه نامر در فکایدت و شکم در آنش رضی نشانه از مسراج خارج میشود
 نتایج بعدی :

در جریان انقباض خانه من لطفه از شکم میگذرد و در من سیم پیدا میکند
 روزانه و در با سبانی که قصد در در بقایه دارد است بانگ است که رضی وقت میباشد

و فرزند ار حاکیه از ناحیه صورت (دشایه جاب) در گردن) زخم شده بود از راه
فرار منزل بشیرزد و در پشت خانه بی باصداوه یک از جنین تا عوالی جسته چهار اسفند
طی یکی در صحنه دیگر فرار میکنند و با دانا استغیر می شود (دینش در بیان انبار بر زمین)

می شود

در بیان انبار یک در دست دین نامراد در یک لحظه نا امید می شود و به دست
برخوش نمی کشد و همراه M می آیند از منطقه خارج می شود و به تزی منزل با گاهی
شیخ در میانید که با نظر انبار خانه بر او می بیند و این امر در وجهی نامرئی فرات
دی می کشد اردو به حال ~~آنست که در دست~~ دستش را بر زمین M برای

نامرئی منطقه امن به قیام می آید. دین نامرئی از ناحیه دست و کتف زخمی شده
زیادتر برداشته بود و در دست حرکت نه داشته و اجدها در زمین M از راه می کشد
دالسته در یکی دو نقطه با توده بر پلیس بودخ مهر با قیام شکو که کشته اند نزدیک دره

شدند (راندند از جنین از راه خانه؟ بر اینها سپاه شیخ می کشد)

۱۸
در این وقت که در حال نامریه یا در سینه منتقل وقت عمل
برای قرار گیرد و در آنجا به بیارتناخ که باز منتقل می‌شود و این لطف الهی است
شده بود و آب بر نفس برش می‌آید یا در بیارتناخ او بار بار آن سردنداشته است.

من که از دهن مندن نامریه اطلاع ندانم در همین حال فکر می‌کنم و این همین
مفهوم است قرار گرفته است شاید که عادت خطا بر اثر آن زدیم (که نامریه بخانه
براجه کند) و در قرار همین رقم که طبیبان می‌نمایند و صبح هم سر قرار نامریه می‌آید
نمایند.

انگیزه های پیشنهاد طرح اطراف من و پذیرش آن از طرف سایرین

۱- بر آن زدن چنین با نوسان اندک که می‌گیریم و همراهی کردن با مملکت قرار بود از
طرف گروهی دیگر از وقت انجام پذیرد. در نتیجه گسترش منبع مسکن در شرایط خاصتر

۲۸ مرداد

۲- بیشتر از پیش در عمل نظامی در سطح سازمان بدین روش و روش دیگر کار می‌کنند

در نظر گرفتن و در هیچ کس و بدون در نظر گرفتن عداوت فریب احوالی در آن شرایط
 خطیر (نامش را میگذاریم حکمت گروهی) که طبعا خارها را بخورد خرد نظر داشته
 دشمن را لفظ ضعف بحساب نیاید.

لازم به تذکر است که در این راه باید از آسایش و لذت صرف عملی را
 دنبال نکرد و از تلذذ تنها شاید لذات روانی طبیعت (در عین حال غیر بیانی)
 در رفتار عمل کند نگذارد که تن دادن به آن خود من مبادت کرده
 واقع میماند که از کین و رنج و عاظمی با ارادت و در همه وقتها بیاید
 اما انگریزها را یاد آید در این زمینه چه بود؟

۱- رفتن نامرکز بر بار بدلیلی است که از شرکت عمل مصافحه میاید و در
 اسپریت را در فرم وضع نظامی ملاحظه نمیدید (دولت و غیره) و چه نعم آنرا بر بزرگ
 و در واقع کین و خوارگی است (هر بار که کتب عمل نظامی پیش میاید صاف

۲۰
 وندند هر چه در حواس مستوفی که بهما ازین بردن این صفتی خودش را بخوشی قایل
 بود سینه را در مقابل تمام خطرات برآمده و آنگاه خوشی را بر سر است در عمل لطیفی تمام است
 دلداد و دلورده خیر دیند و بدین در تنگنای خواب سیر - لطیفی تکلیف
 و... کب طبع مستی ادرت را نمایند بنمود در حالیکه در همان لحظه و تنی محبت ازین
 سبب که بجز این ازین طبع از است کم حد و سعرا مخالفست و این را با طبعی
 ابراز میدهد است (همین صلاحیت لطیفی فرخ خودش فرق با حسی میدهد و این
 درین تکلیف فرخ و خودش تفاوت بسیار قایل بود)

۲ - درین لطف ادرت قبل از هر چه در ذائقه و چه در سیرک بخاطر ادرت روحیه
 محافظه کارانه بعد از استعدا قرار گرفته بود، عبادتانه روشنی از آن ادرت که در این
 حیثی که در است آن شرایط اول را در حقیقت محافظه کار خوشی را تعلق او در نهایت
 محقق شده اول نمیگشتند در درجه دوم به بر این عدم روحیه محافظه کار در شرایط ابراز
 ۲ - درین سبب ادرت حاکمی و درین از آنکه سبب با در فرغ نشدن در میان طبع

(۲۱)

در برین درجه انقباضی که در اول ماه می آید و در کمال انقباض
 می باشد (یعنی عقب نشینی کند) و در این زمان غرض از آنست که در وقت بروز موانع
 تعارضی در وقت بروز انقباض غرض از آنست که در وقت بروز انقباض در وقت بروز
 موانع مذکور که ظاهر در این حالت از این طبع صاف شود با مخالفت درین
 مواردند. بار دیگر در این زمان در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 میزان زیر است که در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 وقت ذکر در هر وقت که در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 در همین حالت که در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 بود که در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 انقباض در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع
 در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع

مشهوره ای که برای اجرای طرحی در نظر گرفته شده است

البته در این مورد باید گفت که در این زمان که در وقت بروز موانع در وقت بروز موانع

شکرت اعلیٰ و انانیت . و اما در این طبع در این روزیم ؟

یعنی که بطور محسوس گشت تأثیر نظرات فرخنده چون آنکه در خرد صالحه با ابروهای
رفیق نموده و عذرات را که گدائش او از این طبع صوفیانه قرار داد و در آن شکرت رفیق
در طبع پذیرفت . همیشه در حق چه گفت بود ؟

هر چه پیش در مورد آنکه فرخنده را انجام شوی آب باران و خرد صالحه که همیشه در حق
در حق استاده شده بود . فرخنده این شکل میوه همیشه میوه این طبع بود
که حتی الاکساح از این نوع بر خرد استوار گشته . فرخنده مستعدی اندکی سارا را می
بود . اخیراً دیدیم که چپ در خرد صالحه در حق صوفیانه بود . مثلاً
میست که فرخنده استادی باران تندتر از آنکه در واقع حق قضیه بود و خرد
در حاکم سابق در این همیشه در خرد استوار است . استقامت در خرد معمول بود .
امروز اخبار خرد اخیراً بصورت استقامت در طبع او که در حق فرخنده بود .
آوازه بودیم که همیشه در حق استوار است .

در مورد خرد اخیراً در این شکرت هم که با او در خرد و در خرد از طرف فرخنده

بجز در حالتی صحت نمیبرد مثلا گاه پیش از حد معمول از او کار کنید و آن کبوتر سینه قلابی
 می دواند و بدین استقامت فعالی بنماید و این انتخاب در واقع نهایت دایره این کبوتر بود
 و پس همین خود نیز به این حالت می آید ~~و این کبوتر~~ ~~و این کبوتر~~ ~~و این کبوتر~~
 از رقص مرغی است این نسبت را مگر بگیرد و با بعضی اینک از او با بسته لال
 بالغ کنیم و قویا نیز استراحت کنی (و این کار را با او می توانی انجام بدهی)
 پیش خود استلال مکتوم که هزار بار کار و انجام به و بهتر است چو آن در این
 صورت ۴ س میزد که تنده و در حد اگر محو تا بهتر خواهد بود و حالیکه اینها نیز میباید
 این بر خود غیر اصولی خواهد بود که وقت از خ تا نیز پذیرفته بود من بدام
 بلا و علاوه بر عمل کرده و نه و لذا طبع میدان بدانها داده شد که حاضر تری بود (ع)
 بحث خواهد کرد که در واقع ما در آن آرد ایم میورده حساب نکردیم بلکه آنها
 باعتبار نبودن یک سیستم منقبض نظامی نترانته آنها کارایمانند در عرض
 نشخوار است (M) و این عمل کرده و در هر یک کبوتر بود و این کبوترها میباید
 یک عمل را انجام بدهند و همیشه فرجه بین آرد در یکدم که اینها چهار تنده را
 بعضی از سینه را در جراحی خواهد کرد و از آن پس در هر روز بر مویز و کده

بسیج و در آنرا هیچ تفاوتی ندارد
که در غیره با هر عمل کردن بود
بسیج را نیز از آن تقسیم گرفته و در آنرا

ترکیبها از نظر کارائی تکلیفی :

- ۱- لطف از چندین مدار بسته بود و در عمل مدار بندی بجز لطف و مدار
 - ۲- همین دو مدار تکلیفی مدار بسته را انجام داده بود و هیچگاه مدار عملی پیدا نکرد
- لذا اگر خوب بر سر می نمود می نمودند که اینها فقط احتیاج به آموزش و کنترل بیشتر دارند
پاره که چون می دانستند میسر صحتش از حد معمول کوچکتر باشد مدار اول را میزد
درت نمودن همین امر بیایست و شد خطرات را در آنش من بعد از آنجا که در عمل عموم آنرا
من حیثیت لازم داشتیم تمام *

* بالستی توجه داشت که مخ حزم هم در آنجا حاضر است و باید از نظر تقسیم داشتیم چونکه تا با
من نمی دانستیم چه بود من فقط از آنجا که در آنجا می دانستیم به در آنجا که ساختیم
در آنجا بود و از آنجا که ساختیم و در آنجا که در آنجا که ساختیم که آنهم در آنجا

من بدلیل بر اینست خاص مردم بین از هر چیز که تمام بر یکسان طرح؟ دارند یا بدین در جهت است
 معطوفند بود، هر حال از میرنم خوش خیالی در تمام طرح و جایی عمل بر هر جا به آنجا
 داشته تا حدی در خط تقصیل سیاحت در مورد کارهای مختلف است و به آنجا که هر کس در خط است
 اگر چه اعتقاد کامل است که هر خوش خیالی بجز نمی آید این امر هر چه شود که از دل آنجا

بشم ۲۰

دوایره و در سید است بازگردد و بنا بر طرح خاص بود و عمل در هر سر یا راه است
 البته در هر ساخته شد از آن راه بود که حتی در عمل کار بود و بدین همین هم
 از هر راه در ساخت و بر این راه در عمل در عمل است این راه در هر راه
 در هر راه که از آن ساده تر است که در وقت تصدیق است و رضایت و نشان که در هر راه
 ساخته و از آنرا میکند تجویز واقف میزند که با اینکه در این راه است ساده یا پیچیده
 خاص از هر طرف بود سید که تنها به هر معنی آن به هر بدین معنی است که از هر طرف
 یعنی از آنکس که در آن راه است که در هر طرف بود و در هر طرف بود که در هر طرف

انتقاداتی که در طرحها از نظر نظامی وجود داشت.

اگر بخواهم در این انتقادات بحث نماید در کتبم از حوصله این مقال خارج است و
 نتیجه هر چه در نظامی را به جبرائیل سر موکل میگفتم فقط در اینجا و آنجا در این حد صفت از نظر نظامی
 میگویم و آنست که در این مورد نیز به دلیل نخوش خیالی و بیاندازه بودن بر طرفی ما اسلحه ضربه
 میزدند و اینست.

۱- تمام وقتها در بار انجام طرح میرفتند و متوجه نبودند.

۲- زمانهای طرح مناسب نبود.

۳- شش ماهی؟ بجز در مورد نظر ادوستی خوب انجام نگرفتند. در سال بعد در ترکیه

از این اشکالات است که طرح را تطبیق کند. کمیته ۵۴۴۰۵۸ نهان است و

آن را تا بدو سال گذشته بودند. نیز هیچ کس به طلق سلامت خود رفته بود و در در صحنه سلامت
 و در در صحنه سلامت قرار پیدا کردند. دار را بر صحنه نمانی بر او نبرد. بفرست

سلامت کار به هر دو سلامت نماند و بود. آذین اشکالات نیز در هر صحنه است که کش
 ف را در صحنه (ضربه) بگذرد و صحنه آرام. آنهم فقط یکبار آزادی کرد و یکبار طبع نیز است تا دیگر

صحنه سلامت است.

بعضی است . ابتدا تمیز آید .

الذبح که تقریباً عمل و در اول شکم جریان و دلائل بر وقوع بیوشن عاده دشمن شده است
 مضمون می بیند که است به صبح بندرت تا بوقت فوق زده و تقطیر بر شیه از سر از شیه تا
 قاعه است و نفس ضعیف را از سر تا زردی را در حجاب مختلف که یک فرامند (در اینجا)
 عمل لطیف است از مردم .

مقدار عده از آن بگذرد و می توان یک گونیت خوب بود را که با پنج عمل مربوط می
 نقل می کنیم :

« اصل در بیوشن اینست که شش با بیوشن شش خوب است
 جزئی تابع شش کلی . شش موقت تابع شش طویل مدت و شش
 که مدت تابع شش دنیا بطور کلی . باشد »

« همیشه در تمام سینه . یک عقد خوب گونیت با بیوشن خوب را
 بطور کلی در نظر آورد و شش خوب را فرق سینه و شش خفیه خود
 قرار دهد . عالی ترین بر لیب است . خوب است که شش خوب را
 عالی ترین شش خود بداند . تمام اعضا خوب با بیوشن استنباط را در این
 خود حلند با اشکام بر هر آورند . این همان چیزی است که از آن

غالب لغیران " روحیه عربی " استنباط عربی " یا استنباط انداز" صحیفه کرده ایم .

« این عالم ترین جمله پر نسیب یک عفره عرب است . این بدیهی
این بزرگوار سر پرده را یک عفره عرب است . »

اعضای عرب ، نباید در دنیا شغف مستحق از شافع عرب داشته باشند
بدون شغف اعضا عرب ، با نقطه میانه چیزی از بدنه های عربی
باشد . غی الخ . اعضا عرب با هم خواهند آمد و در یک کتبی .

لینستی بیاموزند ، قدر تمام را بالا برند ، مبارزه انقلابی پرورد .
مندان ، قدره ؟ وسیع راه هر کس که در اوج شغف سازد ، انبیا

را به خود آورد ، نفس علیها ، از ایدار اینجا ؟ بد شغف آنهاست
تا در قسید بیخ غریب ، چیزی از دنیا هرگز است و عرب شغف بود

زیاد از این قبیل اعضا در راه ؟ عربی حسیک داد ، با بقدر این اعضا
عرب ، با نباید در دنیا مستحق شغف مثل کسب بتمام شغف . قدرش فراوان

نظیر آن داشته باشند از چیزی در جهانی داشته باشند ، کسب است
از شافع عرب ، او شوند که به ایدار غریب ؟ عربی مبدل گردند

« دپارتاسیم بلرعدنه نر از این صید و کچک زین فقط مانع فرمای
 ای صید ... فتح کل دکار ایران را فقط میگردانند از این جهت در کتب
 اشتباه میگویند آنقدر بدبختی مانع کار خود چه میبردند تراجم ایران میگردانند
 لایه نیت انگریز و نقاط شروع کار رفته اند کتب اشتباه
 دپارتاسیم (حقیقت قهرمان) میزند ضعیف باشد ایته این عمل را
 نمیدانند یونان و آسیم اشتباه کرده با وجود این ، افرادی که
 طرز فکر اند یونان و آسیم دارند غالباً در کتب اشتباه دپارتاسیم میگویند
 انشا خدا پسند پس این قدر مان شدن ، خوردنایی و غیره هم که بیشتر
 در این نژاد سر عدله کی از وقتا رخس با احوال است .

مردود اگر از آن که در این ایگنه فکر یابند ، و چه چاقان
 در غرب است . دیشخ میخوابه خوردنایی گفته ، دیشخ میخوابه سایر
 از آن تعلق را میگویند و حقیقت آنست که ، دیشخ ملک زود که در
 صفر به بران قرار گیرند ، از قدرت سر استفاده میکنند . دست دارند
 آدم معتبر ساخته شوند ، فردمانی گفته و هر چیزی در حیطه دست خورد آورده .

« باید هر دو هم بر این شایسته بودن معاصران بر این نیست
 راه انقلاب بفرماییم در حال حاضر در این زمینه ما باید با هم
 شد ، یعنی از معاصران فربا حقیقت طلبانه بکنند و در آنجا
 و تندرکانه نیست ، این حقیقت گراه تلاماست .

بنا بر این ، مخالف قدرتی قرار و قدرتی هستیم ولی معتقد
 معاصر فربا بر این نیست مخالف نیستیم این که اگر انقلابی
 معاصران بکنند است و با ترقی بر آنجا و گونستی بر این نیست
 با ترقی قرار بر این نیست که با فرق دارد ، ترقی بر آنجا و گونستی
 هر حقیقت است ، منصفیت را حفظ کنید و با ترقی از هم
 و معیارها و حقیقت می شنود ، در این معیار ۱۵۰۰ و تقویت
 در این راه است ، و با ترقی قدرتی آنجا که خود راه آنست
 در این جهت قدرتی است و علاوه بر آن دارا هیبت
 زیرا با هر مانع سخن فرود نماند ، این حقیقت را غیب
 آرزو من بکنید با یک و معراج می آید .

شود و قرب بعضی کم و بیش از این عملیات ایزد را که غیر وقت است هر چه
 ایزد از طبیعت است استوار است خط را بر زمین دهند. اکنون ایزد از هر
 آنگاه که در غرب است است و قطب بعضی است از آن که هر چه
 روزی مکنه. بعضی وقتها اوج میگردد.

این حکم در باره بعضی بعضی غرض از حق است اما هر ایزد
 عطف آنها منتهی است قیه و نه است. و اما هر قیه و نه است
 مکنه. و اما هر ایزد است از این که در این است و باز آن
 که نسیج او ایزد را در مکتب فرد واحد در هر سوره است این
 حقیقت است که

مقتضای بدین ایزد را اینست باید آنگاه که حیات نبی و عباد
 بود تا سر و کونش را تحصیل کنیم و استقامت صحیح از جانب مانی است
 شخصی و صحت از این طبیعت است. بشریت دانسته باشیم. تا برای
 از این ایزد از این نسیج و غیر بود تا سر است و در این کنیم.

۴۳
این مجلس مجامع ان که کرده
بدون در نظر حق و کیت در انیزه؟ ارشد کما تا میر و سایر دروغ با بر و شد و خود بود است

و اینکه هیچ درود هیچ زمیندار از انیزه عقب نیستیم. بیکه - این تا بر زنده گی سادگی حق

و اینکه با سبیل کبر آینه نه مجرمه از داخله ساعت که میرانده خوب باید از آب دراز

در واقع امر من نه باغ باز مسکود که تا چه حد این انیزه؟ با بر شد و در بر ما چه اذکار با علی است

در اینجا نیز کوشش میکنیم با نود؟ ارشد و بقیه انیزه؟ در در بار شد و افش دام

۱- رنده نسبتا قابل قبول در شکایات با اعتبار نه داشتن و این مع آر و دست و پا گیر مادی

تکثیر اعتد؟ در بر خود را بر درخ از درک بالنسب ضابط و جیمی که بر مینا آن فعالیت

در کوشش مفرین تدبیر کنیم. چه این عمل او تا در کس بیکه نیز آن است و نهایتا در بعضی مع

به دلیل داشتن دنیا میم و ترک در آن بیکه جوان معنی و با نماند او خود فرد یا بیکه

دست و پا گیر بر انیزه تبدیل گردد.

۲- کمره اعتراف به ضعف؟ (بسیار آن استاده صلا قاتا از خود کوشش او کما که کوشش

در جهت از پس بودن چه با او ضعف؟ بلور در در و با استفاده از این در جمع با از این در در معنی

بدون اینکه زیاد تا می به این داشتن که نقش یعنی بلور در در در شد معنی است که در در

این معنی به خود کردن ملان و بر اینکه انیزه در این است به خود زنی میکند بیش از همه در جهت

در این فرد (به دلیل اینکه صفتش در هیچ موردی بر سر قرار ندارد و در مورد خواص است که از حد
 پس هر جانبی از این آرد) صفتی را از اینش نکرده و پیرودان است غیر از آنکه آرد است
 که در این حالت این از این اسباب را نیز از هیچ سبب نکند و بر آن از این است جمع بنیاد
 گاوی در این آرد و در همین حال این صفت با این سبب توجیه میدهند که اصل خود فرد است
 خود در اصل سببش نیستند آرد پس خود در این زمینه از این خواص که مخصوص این
 توجیه باید کرد؟ از این می بیند آینه؟ در این در این توجیه است که این در بعضی موارد
 پیش میاید که اگر کتبی از اجزای سوزنیست پس میاید که آرد هم میسر بود هم
 گاوی که سببها از اجزای سوزنیست بدوش خود از آرد و اگر آرد از اجزای آرد
 میسریم و نقش خود را از آرد و آرد میسریم - در حالیکه از سوزنیست پس هم مردم را در

این سرفقیست که نشان میدهد هم...
 ۱- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۲- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۳- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۴- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۵- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۶- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۷- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۸- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۹- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۰- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۱- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۲- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۳- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۴- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۵- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۶- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۷- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۸- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۱۹- آرد : این آردی است که در هر زمانه...
 ۲۰- آرد : این آردی است که در هر زمانه...

در وقت بنقل است نیز از عواصب جانبی این مسلم
است (یک نوع فرار از خود)

ب : خود را از « شگ و تا » بیاندازد و مجری علامه به این
صفت که صفت و موت و بارز است نیز از همین موده است

باین امر که مخیر لایق تقاطع و رعیت مراقب تر است ام با برکت بیشتر نیست همی آجر با
 رند یا بنده را شخص داند و خدا با آن همگام ایم) همیشه این اقبال را در امر فرموده اند
 که بدین کیفیت جانیه فرستادیم که گاهی اسخ این حد جانیه هم را داشته ام از جزییات
 نام این امر بخصوص موقتی کند به میانته است که مخ در خدم آن میزان خلافت

و در بنابر اندیشه ام که بتوانم هنوز در پیمان جزییات و حرکت بهم و نه آن میزان سستی
 به حالی که در عدم انگار و نمود و... که حاضر استم دقیقا از جزییات لکوره خود بخود برکت نام
 مثلا در امر شرکت همین در طبع با اینکه گمانا غلط برایش احواس مید و دو انگیزه با اهل حق
 موجب عدم مخالفت مخ با شرکت او در این جریان مید.

الف مثلا طوع و بر بوط به همین و لطف بدین شکل که در امر اصداد اعیان به
 و قدر دانت و نگر که در درخ همین در جب تظیل مذم طوع سیکت (همین در امر لایق
 هم با شرکت همین مخالفت کردند)

ب - بدین رو حیات خدمت آیل دایم که رفیق دختر هم کرده می را از جزییات تقاطع
 عقب نیافته هر چه جزو نیر باشد وقتی عین مردم می بینم نوبتانی از قبل شرکت کرده

تردد طبع ادرام نافع تر است تا میراد در مع واحتمالاً خود قس زیاد خوردن است .

۴ - لذا آنجا که بار بیشتر کارها و عبود (بدن) قبل از آنکه تیرا سیم به محافظه کار ادرام

سیم با سیم در خواب . خوردن سیم در خواب و در خواب در وقت محافظه کارانه در مع بیشتر از

بر خوردن محافظه کارانه . اینها طایفه های حفاظت است . کبر ص اگر در روز سیم ای

که مسئولیت خود را هم گذارد (از حد علی نظمی) در خودم احسن در آنی کارهای لازم

و اعتدال نام . در هر است در هر سیم که در سیم نفس آن سیم بیشتر است سیم که سیم

۵ - سیم در سیم ندرت به یک خصت عند انقباض در سیم رفتن در مع محافظه کارانه در قبال

ابراز نظرات دست خودم و یا در مع دنبال روانه در قبال جریانات و نظرات در مع ندرت

از این نظر از طرف راجعی ابراز نموده است که مجموعاً بیشتر و در مع نظرات ندرت

مجموعه سیم

۶ - در مع مسئول رفتن نسبت به سایل و مسئولیت در دوران و آنچه که عواقب آن مسئولیت

بمع ندرت بیشتر . البته این اغلب در سیم بر در سیم که کار در خود دیگران است . در مع بیشتر

در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت

در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت در مع ندرت

(اهمیت فرد ، تنی ، سازانی و ...) مثلاً در همین مورد خاص از بیخوابی
 میزبانم از انجام سوابب آیم عیب نیایم و در انجام شهر رسانیدم آن را ^(۱۸)
 از آن طرف علاوه بر پیشتاز بودن در عمل نظامی نیز بر ابرتم دفع وجود است ^(۱۹)
 در این بخش خیالی . اینست آنچه که موجب مقبول پاراژیک مستعد که میباید
 پیام آور گشت ، نامی و ضرب دریم باشد ، مورد با آرهی قرار گرفته و
 دانایان و عراب چو در حد چشم فرود آید ، در آن فرخ دانم از جنبه
~~...~~ به تجربه نبودم که فیصله از سیر انوارم از زبان کنم .

۷- چپ و راست شدن و در بر تقابل رسیدن نیز هیولانها عراب است مجموعه ۴ دین
 کسب آید (زمانی فر در عمل نظامی چپ در میگردم حتی برات در مقام دود ^(۲۰)
 چپ روانه نمود کرد) به سبب برخورد چپ روانه عاقلانه گنج ، این گفتیم که ^(۲۱)
 (چپ من برخورد عاقلانه من هم چپ روی من لذات روی)

(۲۲) بر پاره ۵ حتی بود از پس فرود کار در انگشت سر نموده بلام اجتناب احکام میگردم که
 تبدیل خیمی از صلاحیت آیم دارنده میگرد و در هر چه قادر نیستیم که فرماندهی تیم را نیز
 اعجاب داشته باشیم و این را نیز با بر فضا طبع کردم که مصداق آید بود ، تنها یک تلفیق
 با حق میباید که در همین سراسر انظمی از همین وقت اقدام به بر لای من از طرف کارزار

فرد جو روانه زین محباب ساین را حمل کند و لفظ اچیب روی من
 بیفته از دره چینی به اعتبار آن همش از انگیزه روی اندرستی بوده که
 بدنی درک محقق و همه جانانه و درست مقنای را بدست کرده

۱۱۱) پاورقی: مکتب عمل رفقای کبیر در مورد کارگزاری ایب در بنیاد بلوچ
 نیز این علاقہ کی خودہ بورہ دایمی و انحراف مبتدی سفید

۱۲) پاورقی: در آن زمان بن اصلاً بہ ہویا مائی چون انقار ایب
 در دست مبارک زادہ، ایلم ای صفار بہ باب تل ڈیوار این قبیل
 اندیشہ کی کردم آنچه جناب بود نیکوکاری تائی بود کہ از حر تقر
 چند روز دیگر (ص ۲۸ مرداد) در اثر انقار جدید و در کچھ
 حسن کی ضد خلق بہ نسبت ہی آحدہ در اینجا سن مبتدی بہ وقت
 ہی اندیشہ کہ با (دبیر گاروہ) کتب کردہ است

۸ - قبل سوئیت؟ سر ساری بیش از حد توانیم در زمین اینده اغیزه داشتن
دات و له هیت به رسته فروراشی از قبل سوئیت نیز توجه بگیریم .

۹ - آنگذرا که شکست؟ هر دم و صفت؟ در هر دم هر جمله میگویم تا رستم تکبیر صفت
آردگان و شکست آرا تا نرکند . حق یعنی ضعف آرا (غیر شکست بخوانم) تا حدی

(بسیار آرد) بر این حدش آید است (سلا و تن رفقا تا یاید سینه آرد در ملاق
کار فرخ احوالت کمزور بودم و دلتانی احوالت نگردد که در جبر از این میاید و علا انصافاً
تبرینده است)

(در هر روز از این میاید)

۱۰ - غرض خیالی نیز از عواقب همین ضعف او بر تو زنگ می آید .

اثرات این در حیات مدتیست که منجربه ضرر رسیده :

۱ - خود کم بینی رفتار عمل نظامی نسبت بن و حماس نیاید بیش از حد بار و رفع آن
بر هر دو فرخ با عمل نظامی در تقابل آنها که تأثیرات زیاده رسیده این در جبهه است

۲ - وجود یک جبهه عظمی ، خانها را در نتیجه آنکه سازگاری آن (کفعلی از طرف

رفقا با فر بر خورد استوار نمید و در فرخ مسوول انگیزه را کم کردیم)

که ماه کار را در یک مقام نداشت و غیر اصولی میگفتند و از این از پیشین فرخ

شبهه اولی (و باعتبار حاکمیت روحیار که در باب ذکر کردم) باغ بر خود استنادی
نموده . در حقیقت این خود نیز نیست که در این صورت بر او

دانشیار است که شش نام را با علم کرده و در مقام ششم با شش بیستم که

بیستم نام استنادی که از خود نموده و نیز از خود استنادی که در مقام ششم

استنادی نسبت اصلاح خود گشته و قبل از این نیز بارها احضرت آری

که در خود در جریان بوده است بر این حال در زمینه همین عمل نظامی در زمان دور و در

قادر است پس از شناسائی یک طرح مناسب و یک مجرب اظهار نماید و نسبت

تجارب مناسب و نیز نظامی بیار آورد شب عمل مراهب باید به ارشاد در منطقه ششم

که المصاحف گفته شده است که یک با هم فرق اند و در عمل معرفت فرزند خود را در

در طرح شرکت داشته همانجا کلید مدار را با هم در زمین آید میسر است انجام این عمل در نظر

سازمان (که در عمل که در مقامی فدائی نیز عملی انجام میدهند) در وضع مراهب و نیز در

عمل را اندر کرده و بعد از خانه تیمی در این تیم چنین نتیجه را هم آید عمل را در

میش از اینهاش بهد و با ساسان میگردانند پس که در جنگی سازمان فرزند را در

هر حال نظر جنین و بیاض است. و لیکن جوار اینها این سار بنفیرت باد
 و اگر که رخ و در حین را در جمع آنها کرده و جمع است و با عمل اندام بدوزم ایند وقت
 حد اصل آن مقدار تجربیات که فراتر از آنست از نیمه راه عمر بازرگانند است پسند
 ناس العروق رضیق ناصر در الیه ۲۸ دراد و یار فین لطافه الی است ۷
 بعد از آنکه یکبار از ابرو بسیم که ۵ لطفی در این تاریخ مجید است ۵ در جواب با حکام کند
 نه همه کاره در راه است و گویا هر دو سبب است. در واقع صفت ابرو در این
 در در وقت که خوش نمایی نموده و ضعف را در این بینم قدرت دیگر ناصر لطفی را از
 اصول گرفتن باز نیادت و عمل در این جریان صفت هم باید در جمع شده و
 سوز خالی فر (در وقت استراحت یک یکیم) هر چه غرض را وارد آورده

نظری اجمالی به تأثیرات این دانه و نتیجه گیریهای فردی

گاهی اوقات پس از دفع جنین عوارضی در مابین اندام است
 از روشن تر می شود و فرد عمر بسیار و از اینها می بیند که گویا اندام را در صفت
 و در وقت که در این صفت عین می بیند بود که با لاف

دور رسد خویش آنگاه که در بنویس را خواهد داشت که این را دارد که عنقریب
انتقایی در خوشتر خواهد بود و موضع منقول گرفته و ما در خوشتر نسبت به تمام که آنرا
از دست داده و باقی است نسبت به انتقایی است و نظر خویش فرود میبرد و حتی در هر چند
استعداد را با خوشتر موضع چه در آنه بگیرد. انکسار این تفکر در خدمت ارباب این مکتب
که در دوران مبارزه اندیشد که همه ما طبقاً آماج استعدادهای خود قرار گرفته
و با فراوانی گرفت ممکن است این حالت به بیرون از رفتار و غیر نیز دست برسد.
در این مابقی است به چه اندیشد که هر عیب را نه در حال کسی که نسبت
می پذیرد و ارباب فراوانی است که آنها را تنها میانه در عمل بسیارند و کمتر اندیشد پس از
در شنیدن استعدادهای در عمل وضع کند بر اینکه بهترین و تنها دارنده در عمل تقاضای
انزاد است. هر عملی غیر از این (شرط است که هر آن استعدادهای و پرورش فکر را در این
اعضای همراه باشد) و بسیار از این است که در راه بدو در ذهنی ذهنی در این دور تقبیح
به رطوبت انتقال و در پیوستگی و اتمکالی درونی خواهد کشید و این بزرگترین نعمت است
انتقایی از آنرو که در دست است و در هر یک از اینها و هر آنی رسد یا نباشد است.

یا بر حدیث شروع به جوشیدن و فوران نمایند هر روز در مقدار را از
 ناپا خوش برسد و هر روز است مدت جدید که بنیک نتر از
 رفت کار است در پیش در غرضی اجاسر سینه اوده تنها در محیط بلکه
 در این وقت گاهی او جگرند را در سازمان انقلابین و در خوردن می بیند
 سائیز مری از اراج خوردن بیشتر در حاسر سینه که در محیط در جوان است
 بوزم آدر و قدر آنها و فداکاری و طاسه گنونه آفرینر رقعه همزدش و
 بیخ می اندازد و آن سینه را بر ترقق آن گزشت سکنید و
 در آنها استقامت نیز در زینه بر خورد این حادثه از عهد بنام : پس از
 حادثه فرغاً خیزد روز و چار یک حالت نیمه انتقال شدم (که البته تا آن روز)
 پس عمده است) اول تدبیر که میان برای بدن ترسد در شیه است در ایم
 کاسته شد بیشتر بنین نگر می افتادم که بعضی آنها بر گزشت حالت انتقال باستی
 قابل اصل آن عمل باشم که باعتبار آنها میتوان سازمان را در این زمینه متفق
 و بر این سینه نشیدم که تنها صنف آرا به بیان جمع بودن آنرا از فساد است که در آن

و از جمیع کلمات استثنای راه حل چنانچه است اینست نقطه آغاز پروردگار است و
 صفت ^{حزق} از این جهت که عصاره سادمانی که چه که گاهی چهار فقرات است است
 مایه لیبانی (از این نوع میوم که شاید همین استقامت نیزه نامی از حد است یک
 نامی از تغییر شکل و اگر از این بد آستی در وجهی و درود آنها انداز صدمات
 شاید که میروم با این ترتیب با سوره در صدمات وضع خود را است حکم و ثبت
 تمام بهر حال این امر است که برایت استقامت نیزه از آن است و یاد آید
 اگر در اینجا فقط به یک استقامت و جانب و آنهم هر نا از زمانه تم برداشت
 و سایر نیزه در در کتب قرار گرفته است و این مختصر نیزه می تواند باشد
 این واقعیت باشد که اگر ضرب را می بینیم که خط از استقامت کارها که می
 نامند (مثلاً در اینجا در یک کلمه دارد) و در باطن از همین ضرب
 در ابتدا گفته شد حاضر می بینیم تغییر در کلمات و اندامی که صفت است
 که در پرورد تغییر و شد که گویی و در حال در کلمات ضرب خود را و در هر
 وقت بدست بر می کشیم و در طاعت به نیزه استقامت است که در این حد است

داشتیم که بهر حال بنحویه ضرب زد و افسوس که عادت کرده ایم همیشه شکست
 جمع بنویسیم و بیرون فقط کنیم ما را بر بیایند و بعد کم ضعف آید نسبت آن
 ما سهل بشود و یا عدل که در آن کم بهار داده میشود و اندک کسی بگوید که ضرب
 و انت فرودیم حوزی غیر عمل و فریاد زاده است زیرا که ما هیچ ضربی را نمیرویم
 اینده امکان آزاد است باسیم.

نتایج نظامی و تشکیلاتی این حادثه را باستی چگونه ارزیابی نمود

چنانچه لایحه مقرر در اکثر موارد اشکالات لطیفه منشا ایندورزیک دارد
 و لیکن به اعتبار اینکه چون منشا ایندورزیک افراد ضرر تمام نیافته است بهیچ
 هیچ ما را (ارجعه عمل نظامی) نیز توان زد و حرف به معنای است مبارزه ایست
 اریست دراز مدت و طولانی که در جریان یکبار به سر درون و بیرون کشیدند که
 بیگ عمل نظامی نیز چیزی از آن است در بعضی خواهد رفت که حالیکه در سر
 فعلی عمل نظامی اریست واجب است نظریه در همین جریان ضرب بخندیم ما را

شد و ایم به سائلی درجه کنیم که قبلاً بهیچ وجه کسی حاضر نبود بدان گوشه چشمی باید از دست
 قوام نظامی میزدانم و در سینه بسیار - نظامی تنها در عمر بگریز و حاشا شد نظامی
 بدست نخواهد آمد . لذا ما مجبوریم به انکار سیستمی که اجباراً بسیار از سایر اروپاییه
 عمر نظامی را در خود محفوظ داشته است هجر جراح و حکایت خاتمه فرزند کرده
 ... را گرفته در بر طبق آن وضعیت سیستمی - نظریه اجرا از طرف نظامی
 عمر کنند است از تمامی این صحنه‌ها من حاضر به هر آینه در حدی بر طبق آن
 استاد سینه بنام به دلیل نیست که هم در ارتش در ضد انقلاب و هم در
 ارتش در انقلاب در این زمینه و چون مشترک این مورد . بدین حکایت می‌رسیم
 حاشا و منضبط نظامی حاضر در عمر نظامی چیزی به معنای نخواهد بود ^{۱۳۰۴}
 بر آن قدرت تصمیم گیری را از جمع نهی کنند بر این نه استن ضد انقلابی استن
 پیشک سبب خواهد کرد ^(۲)

نبارانی عمدترین تیمه تشکیلاتی از این جوان میآید با بزرگداشت و جمع نمودن این بار
 به خاک کشیده میسوزانند در نفس - اینست بر سر راه گردد . چرا که خوب
 فزونی گردد و نفس سازمان با اعتبار تا اثر آن بر میسوزیم و ارتقاء آن باید بود
خواهد بود . (۱) و در آن نقل یک تجربه در اطراف آن سر و صدای راه انداختن
 وقتی بسین آزارتیبی کردن هیچ در راه انداختن باشد و این تجربه آید
 چند کیلومتر شیک و در راه گمراه خواهد شد .

۵۴۲

(۱) حق تعالی در عناصر از جمله حوض با انبیه بطور عمده در این ضمیر بسیار
 نفس تشکیلاتی کرده ام نیز همین تجربه فرار نفس از ~~کلی~~ با ذرات
 نزل

← از مرقب
 همین دلیل است که سگ در آب از سر انهد می آید فرانه می آید سیر در راه
 استانه و امه که فرانه می خواند از دست برده میخ است حق در راه انداختن
 در می کشید در شرایط نفسی مانند است این کار را اندام

پیش نهاد در این زمینه :

صالح ...
 تفاوت ...
 و پس از جمع ...
 عناصر ...
 العلماء ...
 این قبیل ...
 بر این نظایر ...

۱- کتب ...
 در تمام ...
 (مجموعه)

۲- کتب ...

الف : ...

ب - ...

مد تقسیم بر برسانه

رصدت نانی عیال

رصد هفتگی بر لازم در عمر نظام

رصد هفتگی تدارکات لازم در عمر نظام و موجودات

کتاب در عمارت عمر کنند و زمانه ای اجرائی و نظامی عمر نظام

در وظایف در عمر نظام و تقسیم سوابق

پیش بینی شکست طرح و تکرار متبادلات (فناوریستیان بزرگ)

داشتن کمک ارادیه همراه افراد - آحاد - بنابر برنامه معیار در تقاریر عمل کننده

تقسیم خودکار در مورد زندگی مدرسه و تقاریر سطح و خانه آفرینی در حالت اصول

تفاهم و اشتیاق خانه با نظامی که با هم می آید و به دست آورده و در وقت

از طرف همه رعایت شود

مسائل از این قبیل با هم در آن می آید و در هر چه بود

۱- ایجاد انبار در مجامعت خانه نیمی و سبک که از خانه نیمی بکلیه از خانه با خط جمله است

مراودند حد اقل ضرب با داده آید .

۲- حق الامتاع بکلیه از سر مراود مستقر در منزل

۳- مدارکات و سایر لازم برای کتبخانه (سواد) بکلیه از سر مراود مستقر

توجه: راجع به چهار مدارک لازم .

۴- خارج از این کتب بکلیه از سر مراود مستقر

۵- نوشتن کتب بکلیه از سر مراود مستقر (فقط کتب نقلی) از قبل بکلیه

در قیود به سازگاری و مواضع اقرار و ...

تعمیر و ترمیم در برابر اقرار بکلیه از سر مراود مستقر

بکلیه از سر مراود مستقر

توجه: بکلیه از سر مراود مستقر